

بررسی ارتباط بین ریسک اعتباری و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان (مطالعه موردی، بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد)

محمد نیکبخت^۱، یعقوب انصاری^۲

^۱ کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی (مالی)، گروه مدیریت، یاسوج، ایران

^۲ دکتری مدیریت بازرگانی (مالی)، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول :

محمد نیکبخت

nikbakht14350@outlook.com

چکیده

بدون تردید یکی از پیامدهای فعالیت پولی بانک ها و موسسات اعتباری، پیدایش مطالبات معوق است که تأثیرات قابل توجهی را در نظام اقتصادی ایجاد می کند. این موضوع علاوه بر کاهش سودآوری بانک ها، موجب کندی چرخش نقدینگی در اقتصاد، عدم اختصاص به موقع اعتبارات به درخواست های مولد حوزه صنعت، معدن، تجارت و کشاورزی و در نهایت رکود اقتصادی می گردد. مطالبات معوق می تواند منشاء بسیاری از بحران های پولی و مالی در دنیا باشد و آثار سوء بسیاری بر بانک ها و موسسات اعتباری، بخش های مختلف اقتصادی و در ابعاد وسیع تر برای مردم هر کشور ایجاد می کند. در پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش می باشیم که: آیا بین ریسک اعتباری و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان (بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد) رابطه معنی دار وجود دارد. جامعه آماری از کلیه مدیران و کارکنان شعب های بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد بوده که تعداد آنها ۲۰۷ نفر می باشد. و با توجه به فرمول کوکران در تعیین حجم جوامع آماری محدود تعداد نمونه آماری برابر ۱۳۲ نفر تعیین، و در بازه زمانی سال ۹۴-۹۵ اقدام به جمع آوری نظرات این افراد گردیده است. با استفاده از پرسشنامه اطلاعات لازم جمع آوری و با استفاده از ضرایب همبستگی و رگرسیون چند متغیره در نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها حاکی از آن است که، بین عوامل ریسک اعتباری و مطالبات معوق در شعب های بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معنی داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: مطالبات معوق، ریسک اعتباری، استان کهگیلویه و بویر احمد، بانک کشاورزی

مقدمه

(۱) بیان مسأله

امروزه صنعت اعتبار نقش مهمی در اقتصاد کشور ها ایفاء می نماید. جهانی شدن اقتصاد و ورود کانال های جدید خدماتی نظیر اینترنت، امکان جست و جوی اعتباردهنده بدون محدودیت زمانی و مکانی را برای مشتریان اعتباری فراهم کرده است. به همین دلیل، مؤسسات اعتباردهنده تمایل یافته اند تا فعالیت خود را به دیگر کشور های جهان گسترش دهند و همین گسترش باعث و بانی موضوعی به نام ریسک گردیده است. اگر ما بتوانیم تمام نتایج احتمالی در آینده را پیش بینی کنیم دیگر چیزی به عنوان ریسک باقی نخواهد ماند ولی به دلیلی که آینده غیر قابل پیش بینی است ریسک و کنترل آن یکی از مهمترین مسایل دنیای امروزی شده است چراکه در نهایت تمام ریسک ها از نهادها و موسسات به افراد شامل ذی نفعان، کارکنان، مشتریان و اعضای هیات مدیره منتقل می شود. در سراسر جهان، صنعت بانکداری یکی از ارکان بسیار مهم اقتصاد هر کشور به شمار میرود و به دلیل ارائه خدمات متنوع مالی و اعتباری، نقش تعیین کننده ای را در توسعه و رشد اقتصادی کشورها ایفا می کند و می توان از آن به عنوان نیروی محرکه، شتاب دهنده، متعادل کننده و سامان بخش اقتصاد یاد کرد (اصلی، ۱۳۹۰). محاسبه ریسک و ظرفیت اعتباری بخصوص برای بانک ها و موسسات مالی که اقدام به اعطای اعتبار و تسهیلات مختلف به افراد حقیقی و حقوقی می کنند، بسیار ضروری است. بنابراین بانک ها و موسسات مالی می توانند با اندازه گیری ریسک و ظرفیت اعتباری و رتبه بندی متقاضیان اعتباری، ضمن اینکه بازگشت منابع خود را تضمین می کنند، پورتفوی اعتباری خود را با کمترین ریسک و میزان تسهیلات اختصاص داده شده به یک فرد، را به نحو بهینه ای تنظیم نمایند. بدین منظور بانک ها می توانند برای رسیدن به هدف کاهش ریسک اعتباری و تخصیص بهینه اعتبارات، اولاً با اصلاح ساختار اداری و سیستم مدیریت منابع انسانی از طریق آموزش، نسبت به کنترل متغیر های پژوهش اقدام نموده و با مدیریت این متغیر ها سطح بهره وری سیستم بانکداری را افزایش دهند. ثانیاً، سیستم بانکداری برای رسیدن به سیستمی کارآمد، باید از یک سیستم پشتیبانی مناسبی بهره گیرد تا بتواند در تشخیص خصوصیات ویژه مشتریان اعتباری بهترین عملکرد را داشته باشد (عیسی زاده، ۱۳۸۷). تسهیلات اعطایی، از زمره مهمترین و با ارزشترین داراییهای بانک محسوب می شوند و بخش عمده ای از درآمد بانکها میتواند از طریق اعطای تسهیلات به وقوع بپیوندد اما گردش پول و سرمایه در جامعه، نهاد مالی را در معرض انواع ریسکها قرار می دهد، تنوع این ریسکها و گاهی شدت آنها به حدی است که اگر نهاد مالی نتواند آنها را به نحو صحیح کنترل و مدیریت کند رو به نابودی و حتی ورشکستگی خواهد رفت. بنابراین با توجه به افزایش تقاضای تسهیلات و ریسک موجود در این گونه فعالیتها، اعتبارسنجی متقاضیان تسهیلات (مشتریان اعتباری) و ارائه الگویی مناسب برای نحوه پرداخت تسهیلات یکی از اساسی ترین اصول مدیریت ریسک اعتباری در بانک ها و موسسات مالی بشمار می رود، به طوریکه استفاده از ابزارهای مدیریت ریسک اعتباری بالاخص اعتبارسنجی، به بانکها این امکان را می دهد تا با اطمینان خاطر بیشتری در خصوص اعطای تسهیلات تصمیم گیری کنند (موسوی بیوکی، ۱۳۸۸). چنانچه جذب، تخصیص و به جریان انداختن این منابع به صورت کارا صورت گیرد، خواهد توانست بستر لازم برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی را فراهم کند. اما اگر شیوه جذب و به کارگیری سپرده به صورت نامطلوب صورت گیرد، نه تنها موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم نمی سازد بلکه باعث بروز بحران در جامعه می شود. در این راستا یکی از موضوعات حائز اهمیت، بررسی و ارزیابی (ریسک اعتباری مشتریان: احتمال قصور وام گیرنده یا طرف مقابل بانک نسبت به انجام تعهداتش، طبق شرایط توافق شده) می باشد. هرچند موسسات مالی به دلایل متعددی در طول سالها با مشکلات مواجه شده اند، اما علت اصلی این مشکلات جدی و مهم بانکی کماکان به طور مستقیم به عواملی نظیر، استانداردهای ضعیف اعطای اعتبار به وام گیرندگان و طرف های مقابل، مدیریت ضعیف ریسک پورتفوی، یا کم توجهی به تغییرات اقتصادی یا سایر شرایطی که می تواند به وخامت موقعیت اعتباری طرف های مقابل منجر گردد، ارتباط دارد (راعی و سعیدی، ۱۳۸۹). بخش کشاورزی با وجود نقش بسیار مهمی که در اشتغال و تولید کشورهای در حال توسعه دارد، از ریسک تولید بالاتری نسبت به سایر بخشهای اقتصادی برخوردار است. بر این اساس تامین مالی و ارائه اعتبار به فعالیت های کشاورزی نیز با چالش های جدی روبرو است. از همین رو بانک های خصوصی و تجاری غالباً "علاقه ای به فعالیت اعتباری در این بخش ندارند. حضور کمتر بانکهای تجاری در بخش کشاورزی باعث می شود بانکهای تخصصی فعال در بخش کشاورزی، علاوه بر تحمل ریسک بالا، متحمل هزینه هایی شوند که سایر موسسات مالی با آن مواجه نیستند. (رویین تن، ۱۳۸۵). وصول مطالبات بانکها، مجموعه ای از فرایندهای داخلی و خارجی است؛ بدین معنا که بخشی از فرایند وصول (یعنی مذاکره با مشتری، دستورالعملهای لازم و...) در داخل بانک تهیه و تدوین می شود و بهبود این عوامل در حیطه اختیارات بانکهاست. استفاده از نیروهای مجرب بانکی همراه با رویه های مناسب وصول در بهسازی عوامل درون سازمانی نیز در وصول مطالبات مؤثر خواهد بود، اما بخشی دیگر از عوامل اثر گذار بر وصول مطالبات، عوامل برون سازمانی هستند. به عنوان مثال، قوانین و مقررات حاکم بر دستگاه قضایی کشور به گونه ای است که در بسیاری موارد تسریع در روند وصول مطالبات را با مشکل مواجه می کند و از

آنجا که پرونده ها دارای تعدد هستند، فرایند وصول مطالبات با کندی همراه خواهد شد. به طور کلی، بهترین رویه برای وصول مطالبات بانکها، ایجاد بستر مناسب است، بدین معنا که اختیارات ویژه ای برای بانکها طراحی و تدوین شود تا فرایند وصول مطالبات را در شرایط کنونی تسریع نمایند، ضمن اینکه استفاده از خدمات شرکت های وصول مطالبات، صرفه جویی وقت و هزینه بانکها را در پی دارد. روش وصول مطالبات همان گونه که تأکید شد، به شرایط مشتری، شرایط قرار داد و برآوردی که از زمان و فرایند انجام کار صورت می گیرد، بستگی دارد. (عرب مازار و همکاران ۱۳۸۵) بنابراین در این پژوهش سعی شده است به بررسی ارتباط بین ریسک اعتباری و وصول مطالبات از دیدگاه کارکنان در بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد) پرداخته شود. همچنین با توجه به مشکلات بوجود آمده در راه عدم بازپرداخت تسهیلات و کاهش منابع بانکی، در این تحقیق سعی خواهد شد تا با استفاده از نظر کارکنان و کارشناسان بانک کشاورزی عوامل موثر بر وصول مطالبات را شناسایی کرده و راه حلهایی برای حل این مشکل شناسایی و آنها را برطرف نمود. بنابراین در این پژوهش سعی می شود به این سوال پاسخ داد شود که: آیا بین ریسک اعتباری و مطالبات معوق در بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد) از دیدگاه کارکنان رابطه ی معنی داری وجود دارد؟

۲) مبانی نظری پژوهش

مطالبات

تعریف مطالبات

کلیه منابع اقتصادی که به واحد اقتصادی تعلق دارد و انتظار می رود در آینده منفعتی برای واحد اقتصادی به همراه داشته باشد دارای نامیده می شوند. در جریان فعالیت های عادی ممکن است واحدهای اقتصادی در قبال ارائه خدمت یا فروش دارایی به طور نسبی، از دیگران طلبکار شوند و معمولاً این قبیل دارایی ها تحت عنوان حسابهای دریافتنی نامیده می شوند. به حساب های دریافتنی بدهکاران یا مطالبات نیز گفته می شود (بوت^۱ و همکاران، ۲۰۰۰).

انواع مطالبات

مطالبات جاری: مطالباتی که بازپرداخت اصل و سود آن در سررسیدهای مقرر پرداخت شده و یا بیش از دو ماه از سررسید آن نگذشته است.

مطالبات سررسید گذشته: مطالباتی که از تاریخ سررسید اصل و سود آن و یا تاریخ قطع پرداخت اقساط بیش از دو ماه گذشته و هنوز از شش ماه تجاوز ننموده است.

مطالبات معوق: مطالباتی که بیش از شش ماه و کمتر از هجده ماه از تاریخ سررسید و یا تاریخ قطع پرداخت اقساط سپری شده است.

مطالبات مشکوک الوصول: مطالباتی که بیش از هجده ماه از سررسید و یا از تاریخ قطع پرداخت اقساط آن سپری شده است.

مطالبات سوخت شده: آن بخش از مطالبات بانک ها که صرف نظر از تاریخ سررسید به دلایلی از قبیل ورشکستگی و یا علل دیگر قابل وصول نبوده و با تصویب هیأت مدیره بانک به عنوان مطالبات سوخت شده تلقی شده است (برادشاو^۲، ۲۰۰۲).

مطالبات معوق

تعریف مطالبات معوق

بدون تردید یکی از پیامدهای فعالیت پولی بانک ها و موسسات اعتباری، پیدایش مطالبات معوق است که تأثیرات قابل توجهی را در نظام اقتصادی ایجاد می کند. این موضوع علاوه بر کاهش سودآوری بانک ها، موجب کندی چرخش نقدینگی در اقتصاد، عدم اختصاص به موقع اعتبارات به درخواست های مولد حوزه صنعت، معدن، تجارت و کشاورزی و در نهایت رکود اقتصادی می گردد (فری^۳ و همکاران، ۲۰۰۸).

مطالبات معوق می تواند منشأ بسیاری از بحران های پولی و مالی در دنیا باشد و آثار سوء بسیاری بر بانک ها و موسسات اعتباری، بخش های مختلف اقتصادی و در ابعاد وسیع تر برای مردم هر کشور ایجاد می کند. در شرایط کنونی بعد از بحران پولی و مالی اخیر و بالا

1- Boot

2- Bradshaw

3 - Frey

بودن نسبی نسبت مطالبات غیر جاری به تسهیلات اعطایی در مؤسسات قرض الحسنه و بانک های کشور، توجه به این مهم اهمیت ویژه ای دارد. در سیستم های مالی که با گردش وجوه سر و کار دارند، گردش صحیح و سریع منابع و مصارف بیانگر سلامتی سیستم و کارایی روش های اجرایی آن است. این مطلب به خصوص در بانک ها، مؤسسات مالی و اعتباری و صندوقات قرض الحسنه از اهمیت زیادی برخوردار می باشد، زیرا این مؤسسات و شرکت ها برای اجرای سیاست های پولی در هر کشور می توانند بهترین نقش را ایفا کنند. به این منظور تامین و تجهیز منابع مالی، چگونگی مصرف منابع جذب شده و نحوه بازگشت مجدد آن ها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مؤسسات مالی و اعتباری از یک طرف نقدینگی سرگردان و سپرده های مردمی را به عنوان منابع جذب کرده و از طرف دیگر با اتخاذ تدابیر مناسب آن ها را به سمت سپرده های سرمایه گذاری هدایت می کنند؛ بنابراین منابع جذب شده به عنوان ورودی های سیستم بانکی و تسهیلات پرداختی با مصرف منابع جذب شده، به عنوان خروجی سیستم بانکی محسوب می شود. مسلماً بروز هرگونه خلل یا مشکل در هر یک از این بخش ها موجب به وجود آمدن مشکلاتی در فرآیند سیستم خواهد شد. به همین جهت مدیریت صحیح و کارآ در این گونه مؤسسات در واقع مدیریت بر منابع و مصارف است. وصول تسهیلات اعطایی در مدت زمان تعیین شده، مشخص کننده اجرای روش های صحیح و بکارگیری منابع در جهت ایجاد تسهیلات لازم به منظور گسترش فعالیت های اقتصادی و تامین منابع مالی مورد نیاز بخش های مختلف تولیدی، بازرگانی، خدمات و در نهایت، هدایت منابع به مکان های صحیح سرمایه گذاری خصوصاً بخش تولیدات داخلی می باشد. یکی از مشکلات اساسی که امروزه بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری با آن مواجه اند، مشکل مطالبات معوق و تسهیلات وصول نشده آن هاست، زیرا تسهیلات پرداخت شده به طور کامل از سوی مشتریان بازپرداخت نشده و همواره قسمتی از تسهیلات به صورت مطالباتی که هنوز به حیطة وصول درنیامده است. در کنار این مقوله توجه به انتخاب بهترین روش برای گرفتن وثایق معتبر، سهل الوصول، محکم و قانونی از یک طرف و ارتقای کیفیت عملکرد پرسنل خصوصاً مدیران شعب در شناسایی و ارزیابی مشتریان می تواند نقش بسزایی در این راستا داشته باشد. صنعت بانکی کشور از جمله فعالیتهایی است که همواره با طیف متنوعی از مشتریان، نیازها و خواسته ها روبه رو است. فقدان یک نظام اولویت بندی و طبقه بندی مشتریان و خواسته هایشان زمینه ساز تخصیص غیربهبینه منابع و اعتبارات نظام بانکی شده است. به گونه ای که مشتریان ارزشمند که از اعتبار مناسب برخوردارند و طرح های با بازدهی بالا، محدودیت دارند. در مقابل مشتریان بی اعتبار با طرح های کم بازده، از قابلیت بیشتری برای دسترسی به اعتبارات برخوردار شده اند که این سهم نتیجه ای جز افزایش مطالبات معوق در سیستم بانکی نداشته است. (امیدی نژاد، ۱۳۹۰).

تاثیر مطالبات معوق بر شبکه بازار پولی کشور، عملکرد نظام بانکی و اقتصاد

اثر بر کل اقتصاد

دامن زدن به افزایش حجم و گستره شبکه بازار غیررسمی پولی کشور

تحت تأثیر قرار دادن سایر بازارهای مالی و دارایی های واقعی مانند بازار سرمایه، مسکن، خودرو، طلا و سکه و ... با توجه به گسیل

معوقات به سمت این بازارها با انگیزه های سوداگری و سفته بازی

تغییر حجم نقدینگی و افزایش حجم عرضه پول

افزایش بدهی سیستم بانکی به بانک مرکزی

تغییر در ترکیب و حجم پایه پولی و تزریق پول پر قدرت به اقتصاد کشور

افزایش نرخ سود تسهیلات و کاهش سرمایه گذاری

افزایش نرخ سود سپرده ها و افزایش پس انداز

اثر بر متغیرهای کلان بازار پولی کشور

همان گونه که از فلوچارت قابل درک است، شبکه بانکی بین وام دهنده (سپرده گذاران) و وام گیرنده قرار دارد و از آنجایی که در کشور ما بیشترین نقش را بانک ها و بازار پول در تأمین مالی فعالیت های اقتصادی برعهده دارد افزایش بدهی معوقه بانک ها به طور مستقیم بر عملکرد شبکه بانکی تأثیر گذاشته و موجب کاهش بهره وری آن می گردد و آسیب جدی بر اقتصاد ملی وارد می نماید و بحران تأمین منابع مالی واحدهای اقتصادی را افزایش می دهد. افزایش حجم مطالبات معوق سیستم بانکی در وهله اول منجر به کاهش منابع سیستم بانکی شده و از این حیث قدرت تسهیلات دهی و بنابراین فرایند خلق پول بانک ها را تحت تأثیر قرار داده و کاهش می دهد که این عامل در نهایت از این کانال به کاهش حجم عرضه پول منجر می گردد. از سوی دیگر، با کاهش منابع سیستم بانکی بانک ها قادر به پاسخگویی به تقاضای تسهیلات در نرخ تسهیلات فعلی و موجود نمی باشند که برای مرتفع نمودن این مشکل سه راه حل را در پیش می گیرند یکی اینکه این کمبود در منابع جهت اعطای تسهیلات را از محل استقراض از منابع بانک مرکزی جبران می نمایند و دیگر اینکه نرخ

سود تسهیلات بانک ها را به عنوان قیمت و هزینه استفاده از پول به دلیل کمیابی منابع و همچنین افزایش ریسک اعطای تسهیلات افزایش می دهند. راه دیگر این است که نرخ سود سپرده های بانکی را جهت جذب منابع بیشتر و افزایش انگیزه و تمایل سپرده گذاران و پس اندازکنندگان افزایش دهند (گامبرا^۱، ۲۰۰۰).

اگر راه حل اول انتخاب گردد، به طور قطع با افزایش بدهی سیستم بانکی به بانک مرکزی به عنوان جزئی از اقلام تشکیل دهنده پایه پولی کشور افزایش یافته و از کانال افزایش پول پر قدرت تزریق شده به شبکه بازار پولی کشور هم حجم نقدینگی و هم عرضه پول افزایش می یابد (تغییر در ترکیب و حجم پایه پولی). در صورت انتخاب راه دوم، با افزایش نرخ سود تسهیلات، هزینه استفاده از منابع بانکی اضافه شده و منابع ارزان قیمت بانکی به تدریج به منابع گران قیمت تبدیل می گردند که این عامل از منظر سرمایه گذاران یک عامل هشدار دهنده تلقی می گردد و انگیزه و تمایل آنان را برای ادامه فعالیت های مولد اقتصادی و ایجاد و خلق فرصت های جدید سرمایه گذاری، تولید و اشتغال زایی کاهش می دهد. اگر هم گزینه سوم در دستور کار قرار گیرد، به طور قطع با افزایش نرخ سود سپرده ها، بانک ها مجبور می شوند جهت جذب منابع سود بیشتری را پرداخت نمایند و به طبع درآمد آن ها کاهش می یابد و از سوی دیگر، با افزایش انگیزه پس اندازکنندگان و سپرده گذاران بانکی، منابع بانکی افزایش یافته و افزایش پس انداز و از آن سو کاهش سرمایه گذاری به دلیل بالا رفتن نرخ تسهیلات، شکافی بین سرمایه گذاری و پس انداز بوجود می آید (تریسی^۲، ۲۰۰۷). شکل زیر را میتوان این گونه شرح داد که، شبکه بانکی با سپرده گذاران و وام گیرندگان رابطه متقابل و تنگاتنگی دارد یعنی سپرده گذاران با سپرده خود و گردش آن در شبکه بانکی موجب رونق بخشیدن و توسعه دادن شبکه بانکی در خصوص اعطای وام به وام گیرندگان، می شوند. عکس این عمل هم صادق است یعنی اگر وام گیرندگان در دادن بدهی خود کوتاهی کنند موجب میشود تا ارزش شبکه بانکی و به تبع آن سپرده گذاران رو به افول گرایش پیدا کند و نیز تاثیر بسزایی بر بازار های غیر متشکل پولی بگذارد.

اثر بر عملکرد نظام بانکی

با افزایش حجم مطالبات معوق بدون شک از منابع نظام بانکی کاسته می شود و البته با مدنظر قرار دادن انگیزه های متفاوت ایجاد مطالبات بخشی از مطالبات معوق رخ داده می تواند مجدد از مسیری دیگر جذب شبکه بانکی گردد و به عنوان منابع سپرده ای در اختیار بانک قرار گیرد که بانک می بایستی به آن ها طبق سود سپرده های معمول سود پرداخت نماید. از سویی نیز با توجه با کاسته شدن منابع که مستقیماً قدرت تسهیلات دهی بانک ها افت می نماید، از سودی هم که از بابت ارائه تسهیلات به متقاضیان ارائه می نمودند محروم می گردند، لذا در نهایت درآمد و سود بانک ها نیز به عنوان یک بنگاه اقتصادی کاهش می یابد. این مهم می تواند به افزایش هرچه بیشتر نرخ سود سپرده های بانکی در دوره های آتی بینجامد (تقی نتاج، ۱۳۸۹).

متغیرهای موثر در ایجاد مطالبات معوق در بانک ها

عامل اول: ضعف در فرآیندهای کارشناسی اعطای وام

- ضعف کادر کارشناسی بانک ها در برآورد ظرفیت اعتباری مشتریان

- توجه نکردن به اهلیت اعتباری مشتریان

- عدم رعایت مقررات توسط مجریان اعطای تسهیلات

- ضعف اطلاعات و پایین بودن سطح دانش برخی از تصمیم گیرندگان اعتباری

- ضعف آموزشی در برخی از کارشناسان و اعضای کمیته های اعتباری

- ضعف و دقت ناکافی در انتصابات کادر اعتباری در بانک ها

- اعطای تسهیلات به مشتریان بد حساب (جمشیدی، ۱۳۸۵).

عامل دوم: مداخلات سلیقه ای در اعطای اعتبارات

- اعطای تسهیلات خارج از ضوابط توسط برخی از کارکنان با سوابق خدمت بالا در سنوات آخر خدمت

- راهنمایی پاره ای از کارشناسان و کارکنان بانک ها به مشتریان در جهت فرار از ایفای به موقع تعهدات

- مداخله پاره ای از مدیران در امور بانکی مبنی بر اعطای تسهیلات بی رویه

- دخالت گروه های ذی نفوذ در اخذ تسهیلات بانکی غیرمنطقی

عامل سوم: تأثیرپذیری نظام بانکی از تحولات سیاسی و اقتصادی کشور

- تأثیر جریانان اقتصادی حاکم بر دنیا بر بانکداری داخل کشور

- تأثیر جریانان سیاسی حاکم بر دنیا بر بانکداری داخل کشور
 - بی ثباتی در وضعیت بازار
 - فروش کالا و قیمت مواد اولیه وارداتی (جمشیدی، ۱۳۸۵).
 - عامل چهارم: تفاوت در میزان نرخ تسهیلات اعطایی به مشتریان
 - اختلاف نرخ سود تسهیلات و نرخ تورم در جامعه
 - اختلاف نرخ سود تسهیلات و نرخ بهره در خارج از شبکه بانکی
 - تفاوت نرخ سود تسهیلات در بانک های دولتی و نرخ سپرده ها در بانک های خصوصی
 - عامل پنجم: ضعف در فرآیند مکانیزه اعطای تسهیلات به مشتریان
 - فقدان یک نرم افزار جامع بین بانک ها در خصوص وضعیت و سوابق اعتباری مشتریان
 - فقدان حساسی و صورت های مالی صحیح و شفاف از عملکرد مالی مشتریان
 - مکانیزه نبودن اعطای تسهیلات و اخذ تسهیلات از بانک های مختلف کشور توسط مشتری
 - عامل ششم: ضعف در فرآیندهای نظارتی و کنترلی حاکم بر وصول مطالبات
 - عدم نظارت کافی از سوی بانک ها در درست مصرف کردن تسهیلات توسط مشتریان
 - عدم پیگیری به موقع و مستمر پرسنل و کارکنان مرتبط بانک ها در وصول مطالبات
 - فقدان نهاد نظارتی قوی در زمینه پیگیری وصول مطالبات معوق
 - عدم ایفای به موقع تعهدات کارفرمایان و مشتریان بانک ها
 - ضعف ساختاری و محدود نمودن اختیارات نهادهای نظارتی داخلی بانک مانند واحد بازرسی
 - فقدان مقررات مرتبط با جرایم تأخیر در نرخ سود تسهیلات
 - عامل هفتم: ضعف امور قضایی در فرآیند وصول مطالبات بانک
 - زمان بر بودن دعاوی پرونده های حقوقی مرتبط با وصول مطالبات در محاکم قضایی
 - پیچیدگی نظام پیگیری قضایی جهت وصول مطالبات
 - رقابت کاذب و ناسالم بین بانک های کشور و بهره برداری بدهکاران از این چالش
 - عامل هشتم: ضعف در فرآیند اخذ وثایق و استفاده درست از آن ها
 - عدم اخذ وثیقه ها و تضمین های کافی در اعطای انواع اعتبار
 - اخذ تسهیلات کوتاه مدت و به کارگیری آن در طرح های میان مدت و بلندمدت توسط مشتریان
 - تصویب قوانین دایر بر اخذ وثیقه های بانکی مغایر با تصمیم کارشناسی
 - عدم پاسخگویی به موقع تصمیم گیرندگان و کارشناسان اعتباری در زمان معوق شدن تسهیلات (پهلوان زاده، ۱۳۸۸).
- مفهوم ریسک و طبقه بندی ریسکها
- واژه ریسک در فرهنگ لانگمن چنین تعریف شده است: ریسک عبارت است از احتمال وقوع چیزی بد یا نامطلوب و یا احتمال وقوع خطر است. از دیدگاه بانکداری، ریسک این گونه تعریف می شود: ریسک از نظر یک بانکدار به معنی عدم قطعیت در رابطه با یک اتفاق می باشد (روسی^۱، ۱۹۹۹).
- بانکها و موسسات مالی به دلیل ماهیت فعالیت خود از همان ابتدا با ریسکهای زیادی مواجه می باشند اما به دلیل گستردگی و تنوع فعالیت های بانکی، پژوهشگران در زمینه انواع ریسک عملیات بانکی اتفاق نظر ندارند، بطوری که برخی ریسکهای اعتباری، نرخ بهره و نقدینگی را از جمله ریسک های اصلی بانکداری برمی شمارند.
- بدین لحاظ می توان ریسکهایی که بر نهاد مالی تأثیر می گذارند را به سه سطح، به شرح زیر تقسیم نمود.
- سطح اول، ریسکهایی که نهاد مالی هیچگونه کنترل و تأثیری بر آنها ندارد و تنها از آنها تأثیر می پذیرد.
- سطح دوم، ریسکهایی است که نهاد مالی بر آنها تأثیر دارد اما این تأثیر اندک است و بیشتر تأثیر می پذیرد.
- سطح سوم، ریسکهایی هستند که بر نهاد مالی تأثیر میگذارند ولی نهاد مالی با اعمال روشها و ابزارهایی می تواند آنها را تحت کنترل خود درآورد و مدیریت کند (رحیمی و محمدی، ۱۳۸۷).
- اصول و مقررات کمیته بال درخصوص مدیریت ریسک

اگرچه پدیده ریسک و روشهای مقابله با آن در یک چارچوب جامع مدیریت ریسک برای کلیه موسسات و سازمانها مطرح و مهم تلقی میشود، اما این مجموعه مقررات برای بانکها، موسسات اعتباری و شرکتهای بیمه از اهمیت حیاتی برخوردار است. به همین دلیل، سازمان های مالی جهانی نظیر صندوقهای بین المللی پول بانک جهانی، بانک تسویه بین المللی و تعدادی دیگر، طی دهه گذشته به گردآوری و تدوین مقررات نظارتی در زمینه روشهای مقابله با ریسک اقدام نموده اند که شامل سه مجموعه مقررات در زمینه روشهای مدیریت ریسک، تحت عناوین بال یک، که در آن، به دو مقوله اساسی کفایت سرمایه و طبقه بندی دارایی های بانکها از لحاظ درجه ریسک اعتباری آنها پرداخته شده است، بال دو از نظر پوشش ریسکها، نه فقط ریسک اعتباری، بلکه ریسک بازار و ریسک عملیاتی را نیز مد نظر و مطالعه قرار داده و به موضوع نظارت، به خصوص نظارتهای داخلی بانکها توجه عمیقی معطوف داشته است و بال سه که با توجه به بحرانهای اخیر، بانکها را به شدت ملزم نموده تا مقدار سرمایه خود را به عنوان ذخیره احتیاطی برای تأمین خسارات احتمالی دوچندان کنند، سود سهام و هزینه های اجرایی را در حالتی که ذخیره کاسته شده باشد، قطع کنند و اعطای تسهیلات را در هنگام شکوفایی اقتصاد محدود نمایند. این مقررات در اختیار کشورهای در حال توسعه واقتصادهای نوظهور قرار داده شده است تا از این طریق موفق به اجرای بهترین تجارب جهانی شوند و از آزمون و خطا در این زمینه ها پرهیز نمایند. در ایران زمان زیادی از اجرای مقررات کفایت سرمایه بر اساس رهنمودهای کمیته بال (بر اساس بال یک) نمی گذرد و اجرای آن عملاً از سال ۱۳۸۲ در بانکها آغاز شده است. خطوط راهنمای بال یک، در مقایسه با ارکان مختلف و بعضاً پیچیده بال دو به مراتب ساده تر بوده، لذا این امر کمک شایانی در اجرایی کردن آن در قالب مقررات مربوطه با عنوان آیین نامه کفایت سرمایه در ایران نموده است. اما اجرای عملی بیانیه در بانکهای کشور، نیازمند استناد به قوانینی است که بر پایه آن بتوان مقررات ناظر را تدوین و اجرا نمود و متعاقباً برحسب اجرای آن نظارت کرد (پهلوان زاده، ۱۳۸۸).

مدیریت ریسک

بطور کلی تا دهه پنجاه نگاه به ریسک، محدود، یک بعدی و کیفی بوده است. مارکویتس، دانشمند آمریکایی اولین کسی بود که مقوله ریسک را کمی کرد. بعد از آن با ارائه نظرات کامل تر، ریسک پدیده های قابل اندازه گیری شناخته شد و اندازه گیری ریسک در کانون توجه شرکتهای، نهادها و مؤسسات مالی قرار گرفت. مقابله با پدیده های ریسکی در فعالیتهای مالی و اقتصادی، مستلزم طراحی و اجرای چارچوب جامع مدیریت ریسک است، آنچه در چارچوب مدیریت جامع ریسک برای موسسات، شرکتهای و بانکها بطور کلی واحدهای خرد توصیه می شود، از آنچه در سطح بخش کلان توصیه می شود، تا حدودی متفاوت است در حالی که برای واحدهای خرد مباحثی نظیر شناسایی، احتراز از پدیده ریسک، برخورد اصلاحی، خرید پوشش، تعریف آستانه و سقف حائز اهمیت است و برای بخش کلان، موضوع بیشتر از جنبه تدوین مقررات و قوانین نظارت، ارائه راهکارها و گسترش بازارها واجد اهمیت است. به طور کلی مدیریت ریسک فرآیند سنجش یا ارزیابی ریسک و سپس طرح استراتژی هایی برای اداره ریسک است. در مجموع، استراتژی بکار رفته در بانکها و موسسات مالی شامل انتقال ریسک، اجتناب از ریسک، کاهش اثرات منفی ریسک و پذیرش قسمتی یا تمامی پیامدهای یک ریسک خاص است. بدیهی است مدیریت ریسک با استفاده از نگرش هیأت مدیره و مدیران، به سازمانها و مؤسسات کمک می کند تا با جایگزین کردن یک استراتژی جامع به جای روشهای منفرد و یک جانبه در مقابل ریسک ها، نحوه اداره مؤثر و مقرون به صرفه آنها را یافته و به اجرا بگذارد (حاجی آقایی، ۱۳۸۶).

ریسک عملیات بانکداری

ریسک دارای معانی گوناگون و گمراه کننده است. این واژه را افراد مختلفی چون بازرگانان حرفه ای، مدیران ریسک و همه مردم به کار می برند. در روزنامه ها و مجلات، عبارات مختلفی که واژه ریسک در آن به کار برده شده به چشم می خورد. از جمله این عبارات می توان به مواردی چون داراییهای ریسک دار، ریسک تجاری، ریسک مالی، ریسک سیستماتیک، ریسک پورتفوی، ریسک اعتباری، ریسک عدم پرداخت، ریسک کشورها، ریسک بازار، ریسک عملیاتی، ریسک نقدینگی، ریسک معامله و... اشاره کرد. تغییرات اقتصادی در سالهای اخیر موجب شده که بانکداران توجه بیشتری به ریسکهای مربوط به عملیات بانکی و نحوه کنترل آن نشان دهند (روسی، ۱۹۹۹).

به طور کلی بانکداران با شش نوع ریسک عمده به شرح زیر روبه رو هستند:

ریسک اعتباری

ریسک نقدینگی

ریسک بازار

ریسک نرخ بهره

ریسک سودآوری

ریسک ناتوانی در پرداخت تعهدات

شواهد نشان می دهد در فعالیتهای بانکی ریسک اعتباری نقشی اساسی و مهم ایفا می کند، بنابراین دستیابی به مدلی برای تعیین ریسک اعتباری مشتریان بانک مورد توجه قرار می گیرد (همان منبع).

مفهوم ریسک اعتباری

ریسک اعتباری یکی از مهمترین عوامل تولید ریسک در بانکها و موسسات مالی است. ریسک اعتباری را می توان به صورت رویدادهای غیرمنتظره که معمولاً به صورت تغییر در ارزش دارایی ها یا بدهی ها رخ می دهد نیز تعریف کرد. این ریسک از آن جهت ناشی می شود که دریافت کنندگان تسهیلات تمایل یا توانایی بازپرداخت بدهی خود را به بانک نداشته باشند که از آن به عنوان نکول یاد می شود که مترادف ریسک اعتباری است (اسپینوزا^۱، ۲۰۱۱).

بطور کلی چهار شاخص سنتی زیر به طور گسترده به منظور تعیین میزان ریسک اعتباری برای بانکها در نظر گرفته میشوند: نسبت مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول به تسهیلات اعطایی: هرچه این نسبت بالاتر باشد، ریسک اعتباری موسسه نیز بالاتر است.

نسبت مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول به داراییها: افزایش این نسبت در دو مقطع نشانه افزایش ریسک اعتباری خواهد بود.

نسبت ذخیره مطالبات مشکوک الوصول به تسهیلات اعطایی: افزایش حجم مطالبات مشکوک الوصول که به دلیل افزایش مطالبات سررسید گذشته و معوق بوده می تواند بیانگر افزایش ریسک اعتباری باشد.

نسبت ذخیره مطالبات مشکوک الوصول به کل داراییها: افزایش آن بیانگر افزایش ریسک و کاهش آن مبین کاهش ریسک می باشد (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳)

۳) فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی پژوهش: بین ریسک اعتباری و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه های فرعی پژوهش

بین نرخ بازدهی فعالیت و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود دارد. بین وثیقه ضمانتی (ملکی / تضامنی) و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود دارد.

بین اعتبار سنجی مشتریان و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود دارد.

بین مدت زمان دوره ی بازپرداخت (تسهیلات کوتاه مدت) و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود دارد.

بین تدوین سیاستهای اعتباری بانک و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود دارد.

۴) روش شناسی

تحقیق حاضر از نظر دسته بندی تحقیقات بر حسب هدف از نوع کاربردی، برحسب نحوه گردآوری داده ها، توصیفی از نوع پیمایشی و از نظر تجزیه و تحلیل داده ها از نوع همبستگی به شمار می رود. قلمرو مکانی این تحقیق شعب بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد می باشد. از لحاظ زمانی نیز، اجرای این تحقیق سال ۱۳۹۴-۹۵ می باشد. برای جمع آوری اطلاعات استنباطی از ابزار پرسشنامه استاندارد که میزان روایی آن با تایید اساتید مجرب و متخصصین بانکی، و همچنین میزان پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب الفای

کرونباخ سنجیده شد که این مقدار برابر ۰/۸۲ محاسبه شده است. در مرحله بعد با مروری بر ادبیات پیشین، متغیرهای مرتبط با موضوع تحقیق شناسایی شد و نهایتاً پرسشنامه با ۳۴ سوال در اختیار جامعه هدف، که تعداد (۱۳۲) تن از کارکنان بانک کشاورزی قرار گرفت. روش نمونه گیری این تحقیق تصادفی ساده می باشد. جامعه آماری این پژوهش کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویراحمد به تعداد ۲۰۷ می باشد. حجم نمونه ی این جامعه با استفاده از جدول مورگان گرجسی برای توزیع پرسشنامه ها، تعداد ۱۳۲ نفر از کارکنان انتخاب شده است. در پرسشنامه از جامعه هدف خواسته شد نظر خود را در مورد میزان هر کدام از شاخص ها، روی طیف لیکرت پنج گزینه ای نشان دهند. به منظور تجزیه و تحلیل نتایج پرسشنامه، از آزمونهای همبستگی و ضرایب رگرسیونی با استفاده از نرم افزار SPSS برای انجام عملیات آماری بهره گرفته شده است.

۵) تحلیل داده ها

۵-۱) بررسی ویژگیهای جمعیت شناختی پاسخ دهندگان

جدول شماره (۱) فراوانی بر حسب جنسیت تحصیلات و سابقه

	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی
جنسیت	زن	۸	۶
	مرد	۱۲۴	۹۴
تحصیلات	دیپلم	۸	۶
	فوق دیپلم	۱۲	۹/۱
	لیسانس	۴۳	۳۲/۶
	فوق لیسانس	۶۸	۵۱/۵
سابقه	کمتر از ۱۰	۴۸	۳۶/۶
	۱۰-۱۵	۳۵	۲۶/۵
	۱۵-۲۵	۲۷	۲۰/۴
	بالای ۲۵	۲۲	۱۶/۵
	جمع	۱۳۲	۱۰۰

۶) تحلیل داده ها

۶-۱) بررسی فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی: بین ریسک اعتباری و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود دارد.

H: بین ریسک اعتباری و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود ندارد.

H1: بین ریسک اعتباری و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۲) ضریب همبستگی بین ریسک اعتباری و مطالبات معوق

متغیر ها	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
ریسک اعتباری و مطالبات معوق	۱۳۲	۰/۴۶	۰/۰۱

با توجه به خروجی جدول (۲) از نرم افزار SPSS مقدار سطح معنی داری کمتر یا مساوی ۰,۰۵ می باشد، بنابراین نتیجه می گیریم که فرض صفر در همه ی آزمونها رد می شود و بین عامل وصول مطالبات و عوامل ریسک اعتباری رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به خروجی نرم افزار ضریب همبستگی ۰/۴۶ می باشد که از مثبت بودن آن نتیجه می شود که همبستگی مثبت می باشد و با افزایش (کاهش) میزان ریسک اعتباری بانک، وصول مطالبات هم افزایش (کاهش) می یابد. پس به ازای یک واحد افزایش در ریسک اعتباری مقدار ۰/۴۶ واحد بر میزان وصولی مطالبات افزوده خواهد شد.

فرضیه فرعی اول: بین نرخ بازدهی فعالیت و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود دارد.

H0: بین نرخ بازدهی فعالیت و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود ندارد.

H1: بین نرخ بازدهی فعالیت و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۳) ضریب همبستگی بین نرخ بازدهی فعالیت و مطالبات معوق بانک کشاورزی

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	b	سطح معناداری	فرض تایید شده
نرخ بازدهی فعالیت و مطالبات معوق بانک کشاورزی	۱۳۲	۰/۶۸	۰/۰۶	۰/۰۰۰	تایید فرضیه H1

با توجه به خروجی جدول (۳) از نرم افزار SPSS مقدار سطح معنی داری که مقدار آن کمتر یا مساوی ۰,۰۵ می باشد نتیجه می گیریم که فرض صفر رد می شود و عامل نرخ بازدهی فعالیت بر مطالبات معوق بانک کشاورزی تاثیر معنی داری دارد. همچنین ضریب همبستگی میزان ۰/۶۸ می باشد که از مثبت بودن آن نتیجه می شود که همبستگی مثبت می باشد و با افزایش (کاهش) میزان نرخ بازدهی فعالیت، مطالبات معوق بانک کشاورزی نیز افزایش یا کاهش می یابد. پس به ازای یک واحد افزایش در میزان نرخ بازدهی فعالیت، مقدار ۰/۶۸ واحد بر میزان مطالبات معوق بانک کشاورزی افزوده خواهد شد. همچنین میزان تاثیر متغیر نرخ بازدهی فعالیت، بر مطالبات معوق بانک کشاورزی با توجه به تحلیل ضرایب رگرسیونی، ۰/۰۶ می باشد که در بین متغیرهای دیگر کمترین تاثیر را در مطالبات معوق بانک کشاورزی دارد.

فرضیه فرعی دوم: بین وثیقه ضمانتی (ملکی / تضامنی) و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود دارد.

H0: بین وثیقه ضمانتی (ملکی / تضامنی) و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود ندارد.

H1: بین وثیقه ضمانتی (ملکی / تضامنی) و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴: ضریب همبستگی بین وثیقه ضمانتی و مطالبات معوق بانک کشاورزی

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	b	سطح معناداری	فرض تایید شده
وثیقه ضمانتی (ملکی / تضامنی) و مطالبات معوق	۱۳۲	۰/۸۱	۰/۴۰	***	تایید فرضیه H1

با توجه به خروجی جدول (۴) از SPSS مقدار سطح معنی داری که مقدار آن کمتر یا مساوی ۰,۰۵ می باشد نتیجه می گیریم که فرض صفر رد می شود و عامل وثیقه ضمانتی (ملکی / تضامنی) بر مطالبات معوق تاثیر معنی داری دارد. همچنین ضریب همبستگی میزان ۰/۸۱ می باشد که از مثبت بودن آن نتیجه می شود که همبستگی مثبت می باشد و با افزایش (کاهش) میزان وثیقه ضمانتی (ملکی / تضامنی)، مطالبات معوق نیز افزایش یا کاهش می یابد. پس به ازای یک واحد افزایش در میزان وثیقه ضمانتی (ملکی / تضامنی)، مقدار ۰/۸۱ واحد بر میزان مطالبات معوق افزوده خواهد شد. همچنین میزان تاثیر متغیر وثیقه ضمانتی (ملکی / تضامنی)، بر مطالبات معوق بانک کشاورزی با توجه به تحلیل ضرایب رگرسیونی، ۰/۴۰ می باشد که در بین متغیرهای دیگر بیشترین تاثیر را در مطالبات معوق بانک کشاورزی دارد.

فرضیه فرعی سوم: بین اعتبار سنجی مشتریان و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود دارد.

H0: بین اعتبار سنجی مشتریان و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود ندارد.

H1: بین اعتبار سنجی مشتریان و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۵): ضریب همبستگی بین اعتبار سنجی مشتریان و مطالبات معوق بانک کشاورزی

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	b	سطح معناداری	فرض تایید شده
اعتبار سنجی مشتریان و مطالبات معوق بانک کشاورزی	۱۳۲	۰/۷۸	۰/۳۱	۰/۰۰۰	تایید فرضیه H1

با توجه به خروجی جدول (۵) از نرم افزار SPSS مقدار سطح معنی داری که مقدار آن کمتر یا مساوی ۰,۰۵ می باشد نتیجه می گیریم که فرض صفر رد می شود و عامل اعتبار سنجی مشتریان بر مطالبات معوق بانک کشاورزی تاثیر معنی داری دارد. همچنین ضریب همبستگی میزان ۰/۷۸ می باشد که از مثبت بودن آن نتیجه می شود که همبستگی مثبت می باشد و با افزایش (کاهش) میزان اعتبار سنجی مشتریان، مطالبات معوق بانک کشاورزی نیز افزایش یا کاهش می یابد. پس به ازای یک واحد افزایش در میزان اعتبار سنجی مشتریان مقدار ۰/۷۸ واحد بر میزان مطالبات معوق بانک کشاورزی افزوده خواهد شد. همچنین میزان تاثیر متغیر اعتبار سنجی مشتریان، بر مطالبات معوق بانک کشاورزی با توجه به تحلیل ضرایب رگرسیونی، ۰/۳۱ می باشد که در بین متغیرهای دیگر رتبه دوم تاثیر را در میزان مطالبات معوق بانک کشاورزی دارد.

فرضیه فرعی چهارم: بین مدت زمان دوره ی بازپرداخت (تسهیلات کوتاه مدت) و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود دارد.

H0: بین مدت زمان دوره ی بازپرداخت (تسهیلات کوتاه مدت) و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود ندارد.

H1: بین مدت زمان دوره ی بازپرداخت (تسهیلات کوتاه مدت) و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۶) ضریب همبستگی بین مدت زمان دوره ی بازپرداخت (تسهیلات کوتاه مدت) و مطالبات معوق

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	b	سطح معناداری	فرض تایید شده
مدت زمان دوره ی بازپرداخت (تسهیلات کوتاه مدت) و مطالبات معوق بانک کشاورزی	۱۳۲	۰/۶۵	۰/۲۴	***	تایید فرضیه H1

با توجه به خروجی جدول (۶) از نرم افزار SPSS مقدار سطح معنی داری که مقدار آن کمتر یا مساوی ۰,۰۵ می باشد نتیجه می گیریم که فرض صفر رد می شود و عامل مدت زمان دوره ی بازپرداخت (تسهیلات کوتاه مدت) بر مطالبات معوق بانک کشاورزی تاثیر معنی داری دارد. همچنین ضریب همبستگی میزان ۰/۶۵ می باشد که از مثبت بودن آن نتیجه می شود که همبستگی مثبت می باشد و با افزایش (کاهش) میزان مدت زمان دوره ی بازپرداخت (تسهیلات کوتاه مدت) در بانک کشاورزی، مطالبات معوق بانک کشاورزی نیز افزایش یا کاهش می یابد. پس به ازای یک واحد افزایش در میزان مدت زمان دوره ی بازپرداخت (تسهیلات کوتاه مدت)، در بانک کشاورزی مقدار ۰/۶۵ واحد بر میزان مطالبات معوق بانک کشاورزی افزوده خواهد شد. همچنین میزان تاثیر متغیر میزان مدت زمان دوره ی بازپرداخت (تسهیلات کوتاه مدت)، در بانک کشاورزی، بر مطالبات معوق بانک کشاورزی با توجه به تحلیل ضرایب رگرسیونی، ۰/۲۴ می باشد که در بین متغیرهای دیگر، رتبه سوم تاثیر را در مطالبات معوق بانک کشاورزی دارد.

فرضیه فرعی پنجم: بین تدوین سیاستهای اعتباری بانک و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود دارد.

H0: بین تدوین سیاستهای اعتباری بانک و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود ندارد.

H1: بین تدوین سیاستهای اعتباری بانک و مطالبات معوق از دیدگاه کارکنان بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۷) ضریب همبستگی بین سیاستهای اعتباری بانک و مطالبات معوق بانک کشاورزی

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی	b	سطح معناداری	فرض تایید شده
تدوین سیاستهای اعتباری بانک و مطالبات معوق بانک کشاورزی	۱۳۲	۰/۶۱	۰/۱۴	***	تایید فرضیه H1

با توجه به خروجی جدول (۷) از SPSS مقدار سطح معنی داری که مقدار آن کمتر یا مساوی ۰,۰۵ می باشد نتیجه می گیریم که فرض صفر رد می شود و عامل تدوین سیاستهای اعتباری بانک بر مطالبات معوق بانک کشاورزی تاثیر معنی داری دارد. همچنین ضریب همبستگی میزان ۰/۶۱ می باشد که از مثبت بودن آن نتیجه می شود که همبستگی مثبت می باشد و با افزایش (کاهش) میزان تدوین سیاستهای اعتباری بانک، مطالبات معوق بانک کشاورزی نیز افزایش یا کاهش می یابد. پس به ازای یک واحد افزایش در میزان تدوین سیاستهای اعتباری بانک مقدار ۰/۶۱ واحد بر میزان مطالبات معوق بانک کشاورزی افزوده خواهد شد. همچنین میزان تاثیر متغیر تدوین

سیاستهای اعتباری بانک، بر مطالبات معوق بانک کشاورزی با توجه به تحلیل ضرایب رگرسیونی، ۰/۱۴ می باشد که در بین متغیرهای دیگر رتبه چهارم تاثیر را در مطالبات معوق بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد دارد.

(۷) بحث، نتیجه گیری و پیشنهادات

با توجه به ارتباط بین ریسک اعتباری و مطالبات معوق بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویر احمد پیشنهاد می شود که: نظارت در اعطای تسهیلات باید به این منظور باشد تا تسهیلات مذکور برای نیازهای واقعی پروژهها باشد و به طرحهای نیمه تمام تخصیص یابد تا از این منابع موجود به نحوی استفاده شود که تأثیرگذار باشد.

توجه به اعطای تسهیلات در قبال ضامنین معتبر شخصی و امضاء سفته.

بکارگیری قرار دادهای لازم الاجراء در زمان اعطای وام.

اعطای اعتبار بانک ها بایستی تحت معیارهای مناسب و تعریف شده، انجام پذیرد. این معیارها باید اطلاع دقیق از بازار هدف بانک، شناخت کامل از وام گیرنده یا طرف مقابل، هدف از اعتبار و ساختار آن، و منبع بازپرداخت اعتبار را در برگیرد.

تماس مستمر با وام گیرنده، اخذ آخرین اطلاعات و مدارک مالی و عملکرد وی بررسی و احراز صحت و سقم اطلاعات و سوابق دریافتی.

بانکها باید سیستمهای اطلاعات و روشهایی برای تجزیه و تحلیل داشته باشند به نحوی که مدیریت به کمک آنها بتواند ریسک اعتباری موجود در کلیه فعالیتهای بالا و پایین خط ترازنامه را اندازه گیری نماید. سیستم اطلاعات مدیریت باید اطلاعات کافی را در مورد ترکیب پرتفوی اعتباری ارائه نموده و هرگونه ریسک تمرکز را شناسایی نماید.

منابع و مراجع

- [۱] اصلی، ش. (۱۳۹۰). مقاله مدیریت ریسک اعتباری با نگاهی بر الگوی پرداخت تسهیلات در سایر کشورها
- [۲] امیدی نژاد، محمد (۱۳۹۱)، "گزارش عملکرد نظام بانکی کشور"، موسسه عالی بانکداری ایران
- [۳] پهلوانزاده، م. (۱۳۸۸). مروری بر رویکردهای جدید نسبت کفایت سرمایه در بانکها بر اساس بیانیه دوم کمیته مقررات و نظارت بانکی بازل.
- [۴] تقی نتاج، غ و نجف پورکردی، ح (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل علل افزایش مطالبات معوق بانک نمونه و راهکارهای پیشگیری و کاهش آن.
- [۵] جمشیدی، س. (۱۳۸۵). شیوههای اعتبارسنجی مشتریان بانک، تهران. انتشارات پژوهشکده پولی- بانک مرکزی
- [۶] حاجی آقایی، ب. (۱۳۸۶). انواع ریسک و پوششهای آن تازههای اقتصاد ۱۳۸۷ سال ششم شماره ۱۲۲. صفحه ۵۸ تا ۶۵.
- [۷] راعی، ا. سعیدی، ع. (۱۳۸۹). مبانی مهندسی و مدیریت ریسک، چاپ پنجم، انتشارات سمت، تهران
- [۸] رحیمی، م. محمدی، ا. (۱۳۸۷). بررسی جایگاه مدیریت ریسک در نهاد مالی و ارائه الگویی بهینه برای آن. تازههای اقتصاد ۱۳۸۷ سال ششم شماره ۱۲۲. صفحه ۵۸ تا ۶۵.
- [۹] رویین تن، پ (۱۳۸۵)، بررسی عوامل موثر بر ریسک اعتباری مشتریان حقوقی بانک بررسی موردی بانک کشاورزی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی.
- [۱۰] عرب مازار، ع و روئین تن، پ (۱۳۸۵)، عوامل موثر بر ریسک اعتباری مشتریان بانکی، مطالعه موردی بانک کشاورزی.
- [۱۱] عیسی زاده، م. (۱۳۸۷). مقاله برآورد ریسک و ظرفیت اعتباری مشتریان بانک تجارت با استفاده از شبکه های عصبی.
- [۱۲] موسوی بیوکی، س. (۱۳۸۸). مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی از طریق سوآپ نکول اعتباری
- [13] Boot, A. W. A. (2000), "Relationship Banking: What Do We Know?", Journal Of Financial Intermediation , 9, No. 1, pp. 7-25.
- [14] Bradshaw, Ted.k(2002), "The Contribution Of Small Business Loan Guarantees to Economic Development", Economic Development Quarterly, Vol. 16 No. 4, November 2002, pp. 360-369.
- [15] GCC Banking System and their Macroeconomic Effects"
- [16] Ferri, Giovanni, Kang, Tae Soo and Kim, In-June (2008), " The Value of Relationship Banking during Financial Crises: Evidence from the Republic of Korea ", Università Degli Studi Di Bari (Italy), p.1.
- [17] Gambera, M. (2000). Simple Forecasts of Bank Loan in the Business Cycle. Emerging Issues Series, 3, 1 – 27.
- [18] Rose, Peter S, (1999) Commercial Bank Management, 4th Edition: McGraw- Hill